



فصل 7 :

پیشگویی ها در
مورد مسیح

بعد از الیشع، خداوند انبیا مانند، اشعیا، ارمیا و عاموس را فرستاد، تا به مردم هشدار دهند از بت پرستی و گناه دست بردارند. خداوند از طریق این انبیا سخن میگفت و به آنها در مورد نبوت ها و پیشگویی های آینده میگفت.



اشعیا نبی دوران پادشاهان عزیا، یوتام، آحاز و حزقیا که تقریباً 700-760 سال قبل از میلاد مسیح بود. خداوند از طریق اشعیا فرمود: ”فرزندانی که بزرگ کرده ام بر ضد من برخاسته اند. گاو مالک خود را و الاغ صاحب خویش را میشناسد، اما قوم اسرائیل شعور ندارند و خدای خود را نمیشناسند. ای قوم گناهکار، شما شرور و فاسد هستید و خدای قدوس اسرائیل را ترک کرده اید.“




”خود را بشوید و پاک سازید. از شرارت دست بردارید. آری، از کارهای شرارت آمیز دست بردارید. نیکوکاری را بیاموزید و طالب اجرای عدالت باشید. به ستمدیدگان کمک کنید، به داد یتیمان برسید و از بیوه زنان حمایت کنید. کافی است از من اطاعت کنید و من از ثمرات زمین خواهید خورد و شما را شفا خواهم داد. اما اگر نافرمانی کنید اما اگر نافرمانی کنید همه شما به دم شمشیر کشته خواهید شد. سرزمینتان ویران گشته و شهرهایتان به آتش کشیده خواهد شد و بابلی ها برخی از پسران شما را به اسارت گرفته، آنان را خواجه خواهند کرد و در کاخ پادشاه بابل به خدمت گرفته خواهند شد.“





ارمیا، نبی دوران پادشاهان یوشیا، یهو یاقیم و صدقیا در 590-630 سال قبل از میاد مسیح بود. او گفت: ”اینک دو راه پیش روی شما میگذارم، یکی راه زنده ماندن و دیگری راه مرگ! یا ر اورشلیم بمانید تا در اثر جنگ و قحطی و بیماری هلاک شوید، و یا شهر را ترک کرده، خود را به محاصره کنندگان، بابل را تسلیم کنید تا زنده بمانید. زیرا من تصمیم دارم این شهر را نابود کنم و به هیچ وجه تصمیمم را تغییر نخواهم داد. پادشاه بابل این شهر را تسخیر کرده، با آتش آن را از بین خواهد برد.“



خداوند از طریق ارمیا صحبت
نموده و فرمود: من تو را
موجب وحشت خودت و
دوستانت خواهم ساخت؛ و
تو خواهی دید چگونه همه
آنها با شمشیر دشمنانشان
کشته میشوند. من تمام مردم
یهودا را تسلیم پادشاه بابل
خواهم کرد؛

او گروهی را به اسارت میبرد و عده ای را خواهد کشت
من همچنین اجازه خواهم داد تا دشمنان تمام ثروت
شهر را غارت، و دارایی ها و املاک آنها را گرفته و
همه چیز را به بابل منتقل کنند. من با تمام قدرت و با
شدت خشم و غضب خود علیه تو خواهم جنگید. من
تمام زندگان را در این شهر خواهم کشت. تمام مردم و
حیوانات را با هم با بیماری وحشتناکی خواهم کشت.
اما در مورد تو و درباریان و مردمی که از جنگ و
قحطی و بیماری جان سالم به در میبرند اجازه خواهم
داد تا نبوکدنصر و دشمنانتان که قصد جان شما را
دارند، همه شما را به اسارت ببرند. نبوکدنصر شما را
خواهد کشت. او بدون ترحم و دلسوزی همه را از دم
تیغ خواهد گذرانید. من خداوند چنین گفته ام. من
خداوند، فرصت انتخاب به شما میدهم. میتوانید راهی
را انتخاب کنید که منتهی به حیات است یا راهی را که
به سوی موت و هلاکت میرود. هر کس که در شهر
بماند به وسیله جنگ یا گرسنگی یا بیماری کشته خواهد
شد. اما هرکس که تسلیم به بابلی هایی که در حال
حمله به شهر هستند شود، کشته نخواهد شد؛ بلکه
جان خود را نجات خواهد داد. تصمیم من این است که
این شهر را ویران کنم. این شهر در اختیار پادشاه بابل
قرار خواهد گرفت و او آن را به آتش خواهد کشید. من
خداوند چنین گفته ام.



عاموس یک نبی در دوران عزیا، پادشاه یهودا و یربعام پادشاه اسرائیل، که تقریباً 750-765 سال قبل از میلاد مسیح بود. خداوند از طریق او صحبت نموده و فرمود: ای زنان سامره که مانند گاوهای سرزمین باشان چاق شده اید و بر فقیران ظلم میکنید، نیازمندان را پایمال مینمایید و به شوهران خود میگویید: ”شراب بیاورید تا بنوشیم.“ خداوند به دات پاک خود قسم خورده و فرموده است: ”زمانی میرسد که قلاب به دهانتان انداخته همه شما را مثل ماهی خواهند کشید و با خود خواهند برد! شما را از خانه های زیبایتان بیرون میکشند و از نزدیکترین شکاف حصار بیرون میاندازند و به عنوان برده به بابل میبرند.



”شما روی مبلمان گران قیمت لم داده
اید و غذاهای خوشمز و لذیذ میخورید.
هنگام نوشیدن زیادی از شراب به
موسیقی گوش میدهید. حق فقیران
را پیمال میکنید و گندمشان را به زور
میگیرید. رشوه میگیرید و در حق فقرا،
عدالت را بجا نمیآورید. هرگز از شراب
تاکستانهای دلپسندی را که غرس میکنید،
نخواهید چشید. ارتش شما نابود خواهد
شد و شما به سرزمین بیگانه ای به
اسارت برده خواهید شد.“

خداوند میفرماید: من
قربانگاه را به همراه خانه
های کوچک و بزرگ شما
نابود میکنم. شما به فقیران
ظلم میکنید، رشوه میگیرید
و حق نیازمندان را از بین
میبرید. من جلوی بارش
باران را گرفتم و به شهرهای
شما قحطی و بیماری
فرستادم، با این حال، توبه
نکردید و به سوی من
بازگشت ننمودید.

عاموس 6-4



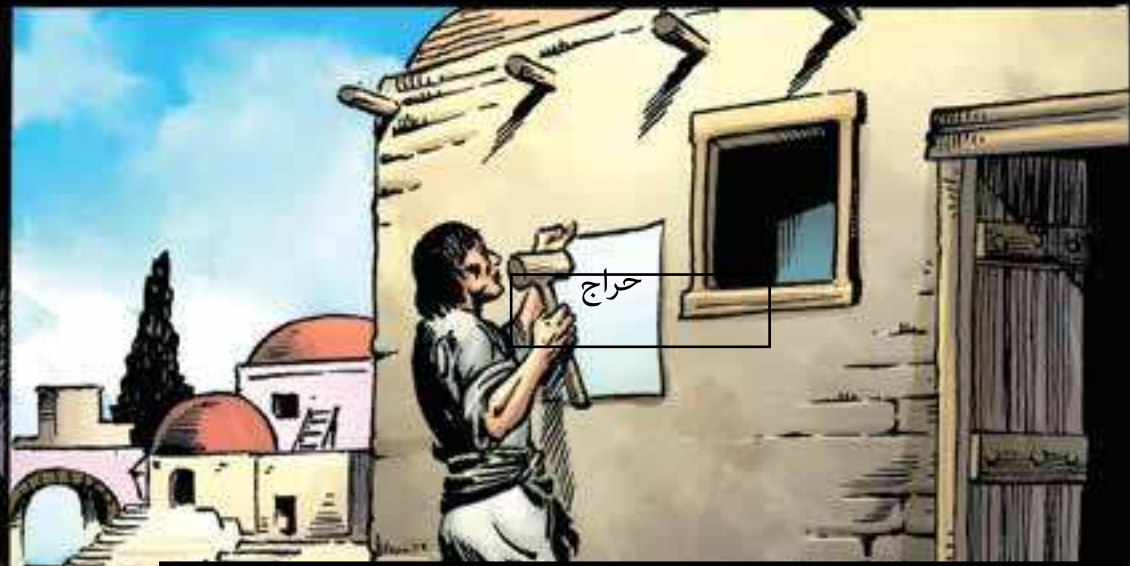
مادر من گرسنه هستم.

753 سال قبل از میلاد مسیح


هوشع یک نبی در دوران سلطنت عزیا، یوتام، آحاز و حزقیا، پادشاهان یهودا و یربعام، پادشاه اسرائیل، در حدود 725-785 سال قبل از میلاد مسیح بود. او نبوت نمود که اسرائیل به دم شمشیر خواهد رفت و حتی کوچکترین ها بر روی زمین نقش بر آب میشوند و زنان باردار مورد خشونت و تجاوز قرار خواهند گرفت.



زمانی خواهد آمد که خداوند گناهان اسرائیل را خواهد بخشید و دوباره اسرائیل محبت کرده و دوست خواهد داشت. یکبار دیگر اسرائیل مانند گل سوسن خواهد شکفت. او کامیاب خواهد شد و شاخه های به زیبایی شاخه های زیتون گسترده خواهد شد و عطر و بوی آن همچون عطر و بودی جنگلهای لبنان خواهد بود.



”در سالهای آینده، بعد از اینکه بابلی ها شما را پراکنده نمودند و تعدادی از شما را به اسارت گرفتند و مورد آزار و اذیت قرار دادند، بالاخره شما به مکان آرامی و استراحت خواهید رسید.“




آنها در حال گرفتن همه
چیز هستند، چرا آنها ما را
رها نمیکنند؟

مادر، ما در کجا
زندگی خواهیم کرد؟

این قیمت خوبی دارد و
باید سود خوبی داشته باشد.
از اینکه بینم یهودیان از
اینجا میروند متنفرم، آنها
برای تجارت خوب هستند.

اینجا نوشته است که همه
یهودیان در مدت سه روز باید
از کشور خارج شوند!



با توجه به این مدارک، همه ی یهودیان باید کشور را ترک کنند و نمیتوانند اموالشان را به همراه خود ببرند.

من همیشه این گاو را میخواستم.

چون قوم اسرائیل از فرمان خدا سرپیچی کرد، آنها میبایست در میان قوم ها و سرزمینهای دیگر پراکنده شوند، اما آنها هرگز آسایش و راحتی نخواهند داشت تا زمانی که خداوند آنها را به سرزمین اجدادشان بازگرداند.

اشعیا 21:10، فصل 35، 11:51؛ ارمیا 11:30؛ حزقیال 21:17؛ هوشع 16:13، 6-14:1؛ یوئیل 2:3

”تمام سرزمین اسرائیل ویران خواهد شد، و شما باید به مدت هفتاد سال پادشاه بابل را خدمت کنید. اما بعد از هفتاد سال من بابل را برای شرارت آنها مجازات خواهم نمود و بازماندگان را برای ساختن دوباره این سرزمین، برمیگردانم.“



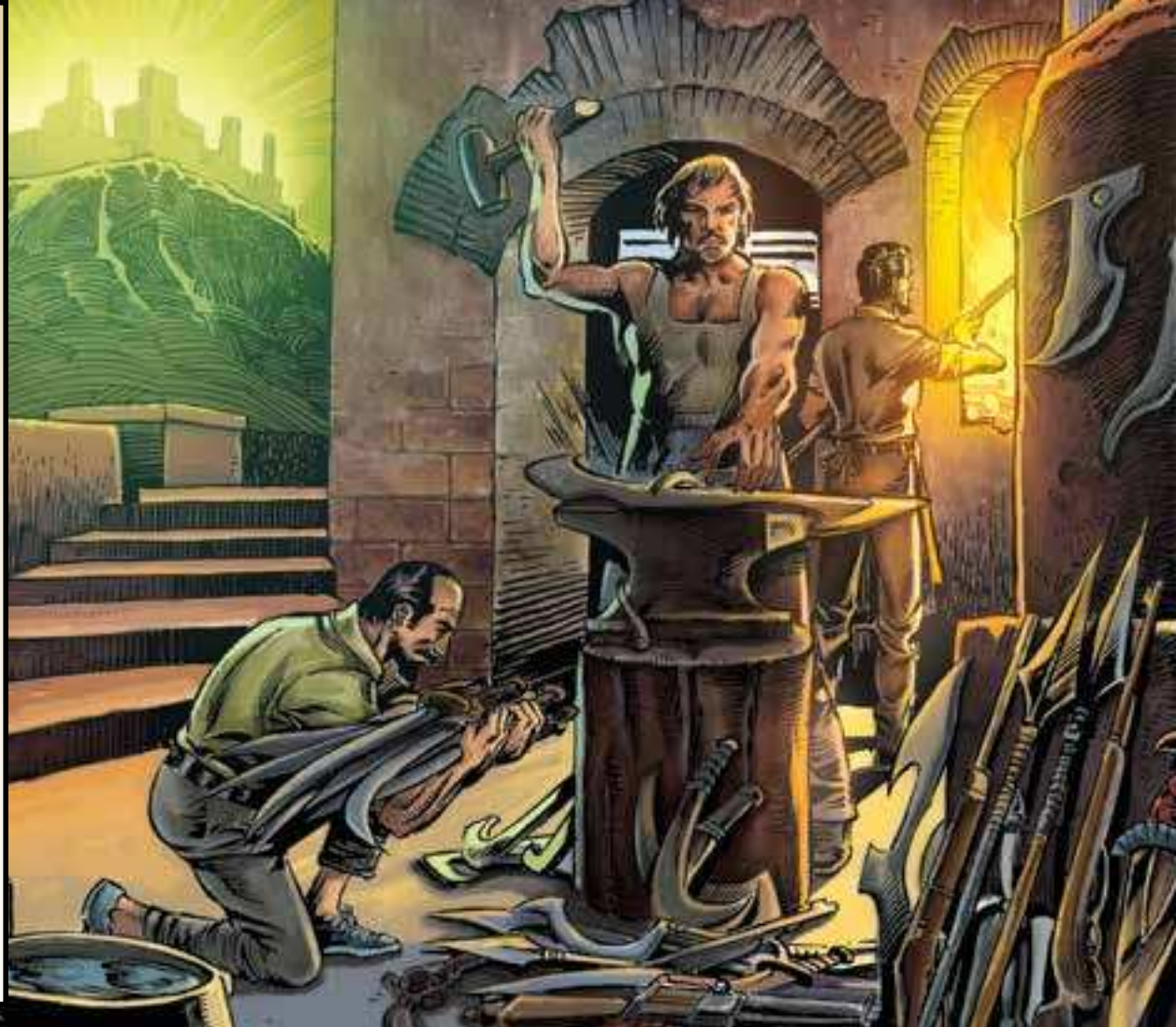
”سرزمین اورشلیم مانند یک زمین کشاورزی شخم زده خواهد شد.“



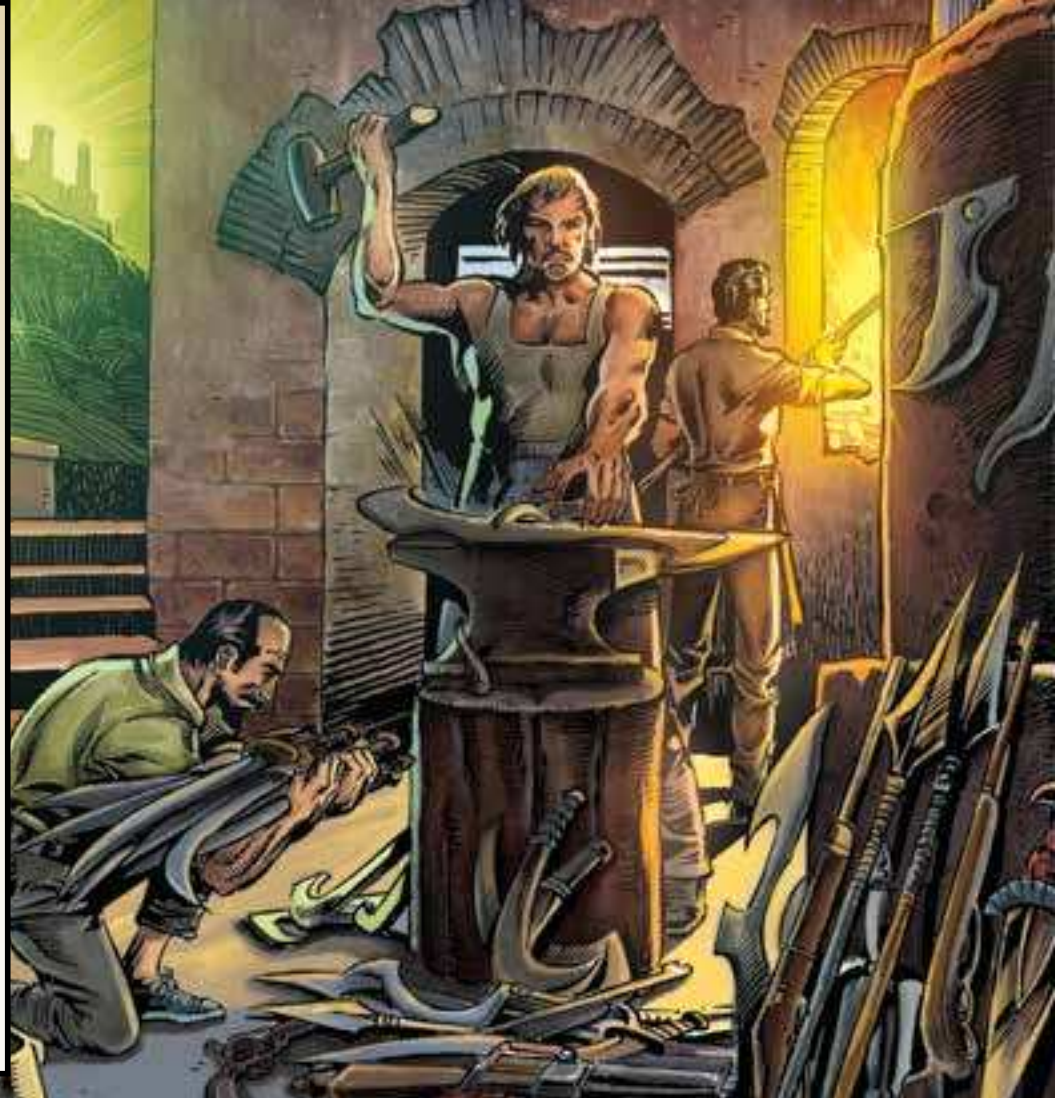
این نبوت به وقوع پیوست و دشمنان، اورشلیم
ر شخم زدند، اما در روزهای آخر دوباره معبد
و محل پرستش ساخته خواهد شد و مردم
دوباره به سوی آن روانه خواهند شد.

نبی دیگری به نام میکاه که در سالهای 750-686
قبل از میلاد زندگی میکرد، اینطور نبوت کرد:

و در روزهای آخر، کوه خانه
خداوند مشهورترین کوه جهان
خواهد شد و مردم از سرار
دنیا به آنجا آمده، خواهند
گفت: ”بیایید به دیدن کوه
صهیون برویم و خانه خدای
اسرائیل را زیارت کنیم. او
راههای خود را به ما خواهد
آموخت و ما مطابق آن عمل
خواهیم کرد؛ چون شریعت و
کلام خداوند از اورشلیم صادر
میشود.“

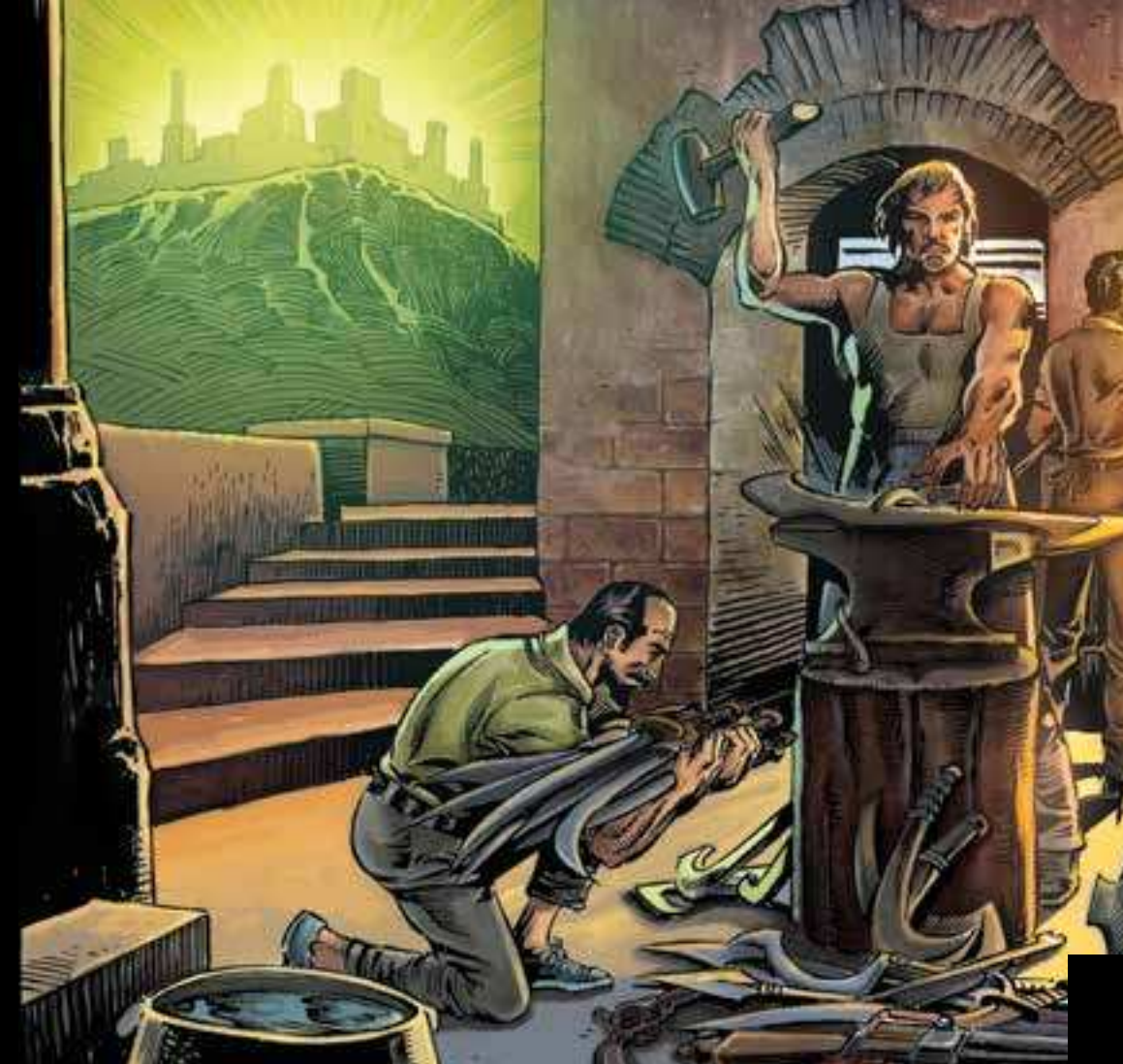



”خداوند در میان قومها داوری خواهد کرد و به اختلافات بین قدرتهای بزرگ در سرزمین های دور دست پایان خواهد بخشید. ایشان شمشیرها و نیزه های خود را در هم شکسته، از آنها گاوآهن و اره خواهند ساخت. دولتها دیگر به جان هم نخواهند افتاد و خود را برای جنگ آماده نخواهند کرد. هر کس در خانه خود در صلح و امنیت زندگی خواهد کرد، زیرا چیزی که باعث ترس شود وجود نخواهد داشت. این وعده را خداوند قادر متعال داده است.“



” و ما تا ابد خداوند، خدای خود
را عبادت خواهیم کرد و از او
پیروی خواهیم نمود. خداوند
میفرماید: در آن روز قوم خود را
که از سرزمین خود رانده شده و
تنبیه گشته اند، دوباره در وطن
خودشان به قدرت خواهم رسانید
و از آنها قوم نیرومندی بوجود
خواهم آورد، و من تا ابد در
اورشلیم و از کوه صیهون بر آنها
سلطنت خواهد کرد.“

ارمیا 12:25-11؛ میکاه 3:12، 7:4-1





ارمیا و دیگران نبوت کردند:

”پادشاه صدقیا، کارهای شروانه از نظر خداوند انجام داده است. او کشته نخواهد شد بلکه او به سرزمین بابل به بردگی خواهد رفت و دیگر سرزمین خودش و با مردمانش زندگی نخواهد کرد، اما او حتی سرزمین بابل را هم با چشمانش نخواهد دید زیرا او کور خواهد شد و به مدت 70 سال در بابل خواهد ماند.“

”در پایان 70 سال، بابل توسط سپاهی از شمال تصرف خواهد گردید و بازماندگان قوم اسرائیل به سرزمین خود بر خواهند گشت تا شهر و معبد را دوباره بسازند.“

این کتاب را همراه خود
به بابل ببر و آن را برای
مردم بخوان. بگذار آنها
بدانند قبل از بازگشت
به سرزمین خودشان
چه سختی هایی را باید
تحمل کنند.



”پس از پایان دوران
مجازات، خداوند تمام
گناهان ایشان را خواهد
بخشید و از تمام قوم
ها در اورشلیم سکونت
خواهند کرد.“



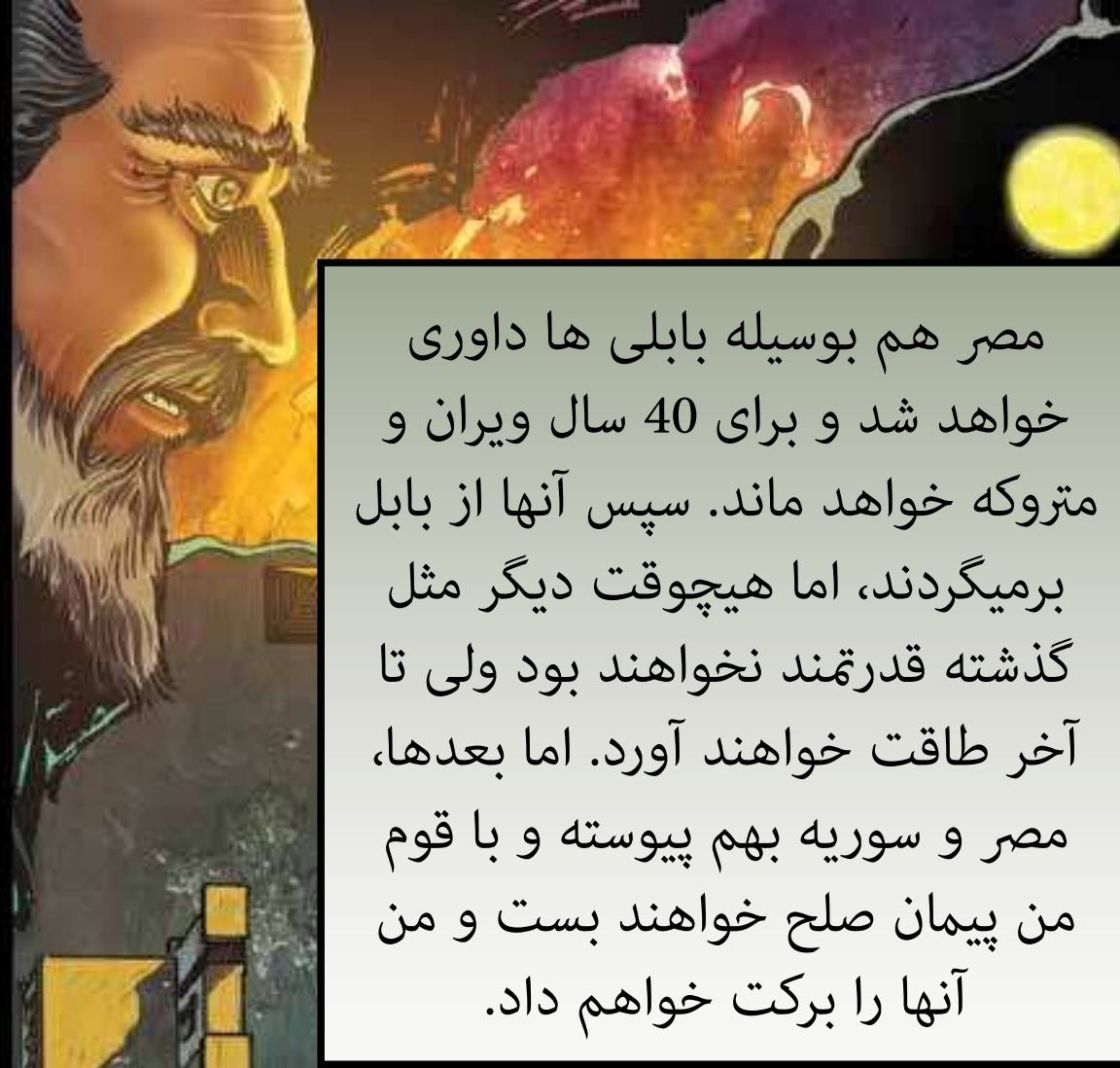
من پادشاهی داود را بازمیگردانم و شما نیز به
سرزمین خود باز گشته و آن را تصرف خواهید کرد.



حزقیال نبوت کرد و گفت: “ خداوند آنها را در میان قوم ها و ملت های مختلف پراکنده خواهند ساخت، و خداوند سرانجام آنها را به سرزمینشان باز خواهند گرداند.”



”خداوند به ابراهیم وعده داده بود که نسل او تا ابد وارث سرزمین خواهند بود و او همیشه به وعده ی خود عمل میکند. اگر چه زمانی که قوم گناه کنند، خداوند آنها را به اسارت در ملیت های دیگر میفرستد که خدایان دیگری را خدمت میکنند، اما در پایان او آنها را باز می گرداند“



مصر هم بوسیله بابلی ها داوری خواهد شد و برای 40 سال ویران و متروکه خواهد ماند. سپس آنها از بابل برمیگردند، اما هیچوقت دیگر مثل گذشته قدرتمند نخواهند بود ولی تا آخر طاقت خواهند آورد. اما بعدها، مصر و سوریه بهم پیوسته و با قوم من پیمان صلح خواهند بست و من آنها را برکت خواهم داد.





”فلسطین نابود خواهد شد و چیزی از آن باقی نخواهد ماند
مانند ادوم، موآب و عمون هم کاملاً ویران خواهد شد. ادوم نیز
نابود شده و همه سنگ ها و الوارهایش به دریا افکنده خواهد
شد. دیگر آنجا هرگز منطقه مسکونی نخواهد بود و یک منطقه
خشک و خالی از سکنه خواهد شد. جزیره ات غیر مسکون و
جای ماهیگیران میشود تا تورهای خود را در آنجا پهن کنند.

”اما سرزمین پارس (ایران)، ترکیه، اتیوپی و لیبی
تا آخر باقی خواهند ماند، تا زمانی که آنها برای
تصرف به سرزمین اسرائیل حمله کنند، اما آنها
در کوه های اسرائیل خواهند مُرد.“



نوبت ها و پیشگویی های کتاب مقدس
همیشه کاملاً صحیح است. شهر ها و
کشورهایی که در موردشان نبوت شده بود که
محو و نابود خواهند شد، برای آنها چنین شد
و برای کشورهایی که گفته شد تا به آخر باقی
خواهند ماند، همچنان وجود دارند.

در سال 605 قبل از میلاد مسیح. بابل
اسرائیل را تصرف کرد، درست همانطور
که انبیا پیشگویی کرده بودند.



ای خداوند، ما بخاطر گناهان پدرانمان
مجازات میشویم. به ما کمک کن تا در
این سرزمین غریبه بتوانیم از فرمان های
تو اطاعت کنیم.






بیش از 5.000 یهودی به عنوان اسیران جنگی به بابل برده شدند. آنها افراد تحصیل کرده و جوان را همراه خود بردند به امید اینکه برای حکومت مفید واقع شوند. در میان آنها مرد جوانی به نام دانیال بود. او همواره از فرمان های خدای ابراهیم اطاعت میکرد.

دانیال در یک سرزمین غریبه اسیر بود، اما او تصمیم گرفت تا به خداوند وفادار بماند. کسانی که او را به اسارت گرفته بودند، متوجه شدند که او روح و وجدان خوب و پسندیده ای دارد، بنابراین او را در جایگاه مخصوصی به عنوان فرد حکیم و دانا قرار دادند.


ای خدای آسمان ها و زمین، ای پادشاه کل هستی ما شکرگزار هستیم بخاطر اینکه از زمین به ما نان میدهی.





نبوکدنصر پادشاه بابل، در
خواب رویای عجیبی دید و
بیدار شد.

معنی این خواب چیست؟ مطمئناً
چنین رویایی از طرف خدایان فرستاده
شده است تا آینده را آشکار کند.



شما مردان حکیم و دانا
هستید. شما مدعی هستید که خدایان
با شما صحبت میکنند. حالا به من
بگوئید من چه خوابی دیدم و معنی
آن چیست.

اما ما چطور
میتوانیم معنی رویایی
را بگوئیم که شما آن
را به ما نگفته‌ای؟
هیچکس قادر به انجام
نیست، به غیر از
خدایان.



من میدانستم همه ی
شما حقه باز هستید. خدایان با
شما صحبت نمیکنند. شما به همراه
خانواده هایتان کشته خواهید شد و
خانه های شما با خاک یکسان
خواهد شد.

خیلی متاسفم دانیال، فردا تو به همراه
دیگر افراد حکیم بابل کشته خواهی شد.
پادشاه دیگر کاهنان خود را باور ندارد.




اما یهوه میتواند رویای
پادشاه را آشکار کند و تعبیر آن را
نیز بگوید. من باید به تنهایی برای
دعا بروم. سعی کم یک روز برای
من مهلت بگیری.

خداوندا، تو تنها پادشاه
تمام هستی میباشی. لطفا به
خادم خود آنچه که در آینده
واقع خواهد شد را آشکار کن.
هیچ خدای دیگری مانند تو
وجود ندارد.

دانیال، به من
گوش کن.



A man in a brown robe is running towards a king in a red robe. The king is standing in a garden with large purple flowers. The man is shouting, and the king is looking at him with a stern expression.

سریعا مرا نزد
پادشاه ببر!

اگر تو نتوانی رویای پادشاه
را به او بگویی، او در همانجا
مرا خواهد کشت.



ای پادشاه، تو برترین پادشاه هستی چون خدای آسمان ها این را اجازه داده است. او به تو رویایی از آینده داده است.

وقت مرا تلف نکن. آیا میتوانی رویای مرا بگویی یا نه؟

خدای حقیقی، خالق تمام هستی، رویای تو را به من که خادم شما هستم، آشکار کرده است.

ای پادشاه، تو در رویا
مجسمه بزرگی را دیدی. این
مجسمه نشان دهنده پادشاهی
تو است و سه سلطنت دیگر نیز
بعد از آن خواهد آمد.



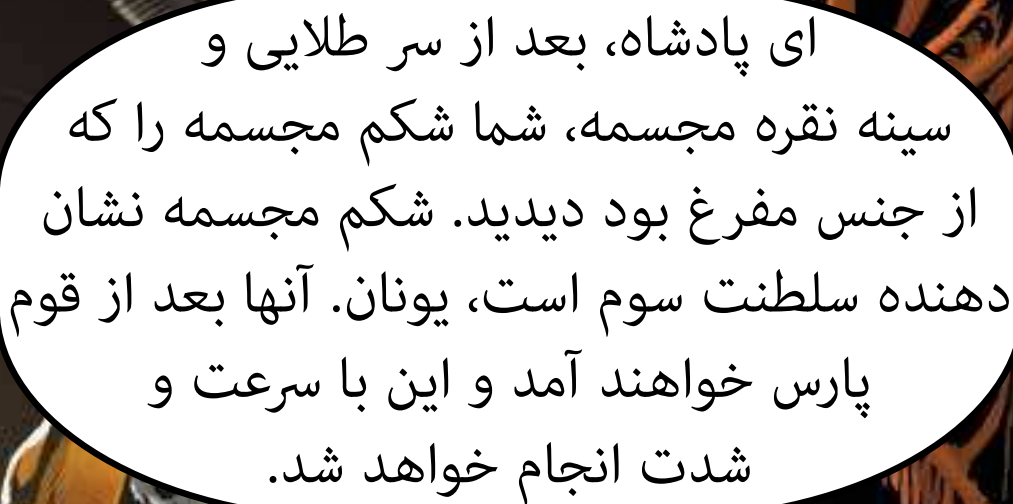
این حقیقت دارد!
به هیچکس این رویا را
نگفته بودم! خدای تو،
خدای حقیقی است.




شما سر این مجسمه و شاه شاهان هستید. قبل از اینکه شما یهودا را تصرف کنید، انبیا ما، به ما گفته بودند که خداوند میخواهد ما را بخاطر گناهانمان مجازات کند و سرزمین را به شما بدهد. اکنون پادشاهی شما شکوهمند خواهد بود.




سینه مجسمه از نقره بود و این نشان
دهنده سلطنت دیگری است. قوم پارس و
مادها. بعد از مرگ شما، آنها بابل را تصرف
خواهند کرد و بر دنیا حکومت خواهند کرد،
چنان که شما حکمرانی کردید.




ای پادشاه، بعد از سر طلایی و
سینه نقره مجسمه، شما شکم مجسمه را که
از جنس مفرغ بود دیدید. شکم مجسمه نشان
دهنده سلطنت سوم است، یونان. آنها بعد از قوم
پارس خواهند آمد و این با سرعت و
شدت انجام خواهد شد.




سلطنت چهارم از باقی متفاوت خواهد
بود. پاهای مجسمه از آهن ساخته شده و
کشورهای زیادی را نابود خواهد کرد. اما شما
قسمتی از پای مجسمه را دیدید که از گِل ساخته
شده بود. در زمان های آخر، حکومت به ده قسمت
تقسیم شده و بسیار ضعیف خواهد بود.



ای پادشاه، سپس شما دیدید که
سنگی بدون دخالت دست انسان از کوه جدا
شد و با پاهای مجسمه اصابت کرد و در یک
لحظه مجسمه فرو ریخت و تمام حکومت ها
از بین رفتند.



آن سنگ نشان
دهنده پسر خدا است،
که بر روی زمین خواهد
آمد و پادشاهی پرشکوهی
برپا خواهد کرد.




در زمان های آخر، همه ی
مردگان برخاسته و در حضور تخت داوری
او خواهند ایستاد. آنهایی که کارهای
شریرانه انجام داده ان، شرمنده خواهند
شد و تا ابد محکوم میشوند. اما آنهایی که
کارهای نیک انجام دادند، حیات ابدی را
دریافت خواهند کرد.

بدون هیچ سوالی و شکی، سخنان تو از طرف خداوند است. در غیر اینصورت چطور ممکن بود رویای مرا با تمام جزئیات بدانی؟ من تو را فرمانروای تمام مردان حکیم میکنم.



دانیال به مدت 68 سال در بابل زندگی کرد. او خوابهای زیادی را تعبیر و پیشگویی در مورد آینده انجام داد. نبوکدنصر پادشاه مرد، و پسرش بلشصر جایگزین او شد.

یک شب بلشصر مهمانی
بزرگی ترتیب داد و مردم در
آن به عیش و نوش پرداختند،
ناگهان دستی پدیدار شد
و شروع کرد بر روی دیوار
نوشتن. دانیال را فراخواندند
تا نوشته را معنی کند.
خداوند به او قدرت درک آن
زبان را داد.



ای پادشاه، تو مرتکب
گناه شده ای. همانطور که انبیا
پیشگویی کرده بودند، امشب پادشاهی
شما به دست قوم مادها و قوم پارس داده
شده است.



انبیا پیشگویی کرده بودند، دشمنی که بابل را
تصرف خواهد کرد، به صورت مخفیانه از طریق دو
آب راه وارد شهر شدند. بابلی ها در آن مهمانی
بسیار مست بودند که متوجه آمدن دشمن نشدند.
سقوط بابل در تاریخ، دقیقاً به همین ترتیب ثبت
شده است..

جامعه 13:12-14؛ اشعیا 7-9:6، 1:45؛ دانیال
34:2-35، 44-48، 29-5:1؛ مکاشفه 11:20 5:21

پس از آنکه مادها و پارس ها، بابل را تصرف کردند، دانیال کتاب قدیمی را پیدا کرد که توسط ارمیا نبی نوشته شده بود، که یکی از کتاب های مقدس بود. همانطور که او داشت کتاب را مطالعه میکرد، حقیقتی را کشف نمود که او را شوکه کرد، خداوند پیشگویی کرده بود که اسارت در بابل فقط به مدت 70 ادامه خواهد داشت.



سپس، بازماندگان به اورشلیم بر خواهند گشت و دیوارهای معبد را بازسازی خواهند نمود. همچنان که او به مطالعه ادامه میداد، کشف کرد که 200 سال پیش نبی خدا اشعیا، در واقع نام پادشاه پارس را که دستور بازگشت یهودیان را میدهد را نوشته بود.




اکنون تقریباً

69 سال گذشته است و فقط یک سال
باقی مانده است. در کتاب نوشته شده است که
کوروش خادم خداوند هست و اراده خدا را انجام
میدهد. او شخصی است که دستور بازگشت ما به
سرزمین پدریمان را خواهد داد. متبارک باد خداوند
ما، پادشاه تمام هستی.

درست همانطور که خداوند به ابراهیم وعده داده بود، او این سرزمین را تا ابد به ما داده است. او به ما اخطار داده بود، اگر خدایان دیگر را پرستش کنیم، این سرزمین را به دشمنان ما خواهد داد. او قول داده است که هرگز قوم خودش را فراموش نکند. خداوند به وعده ی خود وفادار بوده است. اکنون که ما به سرزمین خود بازگشته ایم، باید از او اطاعت کنیم.

کورش، پس از 70 سال اسارت، یهودیان را آزاد کرد، درست همانطور که در آیه کتاب مقدس پیشگویی شده بود. 52,000 نفر برگشتند تا شهر خود را دوباره بسازند.





ای خدای ابراهیم، تو ما را باز گرداندی،
چنان که وعده داده بودی. به ما یاد بده تا
در مسیر تو حرکت کنیم.

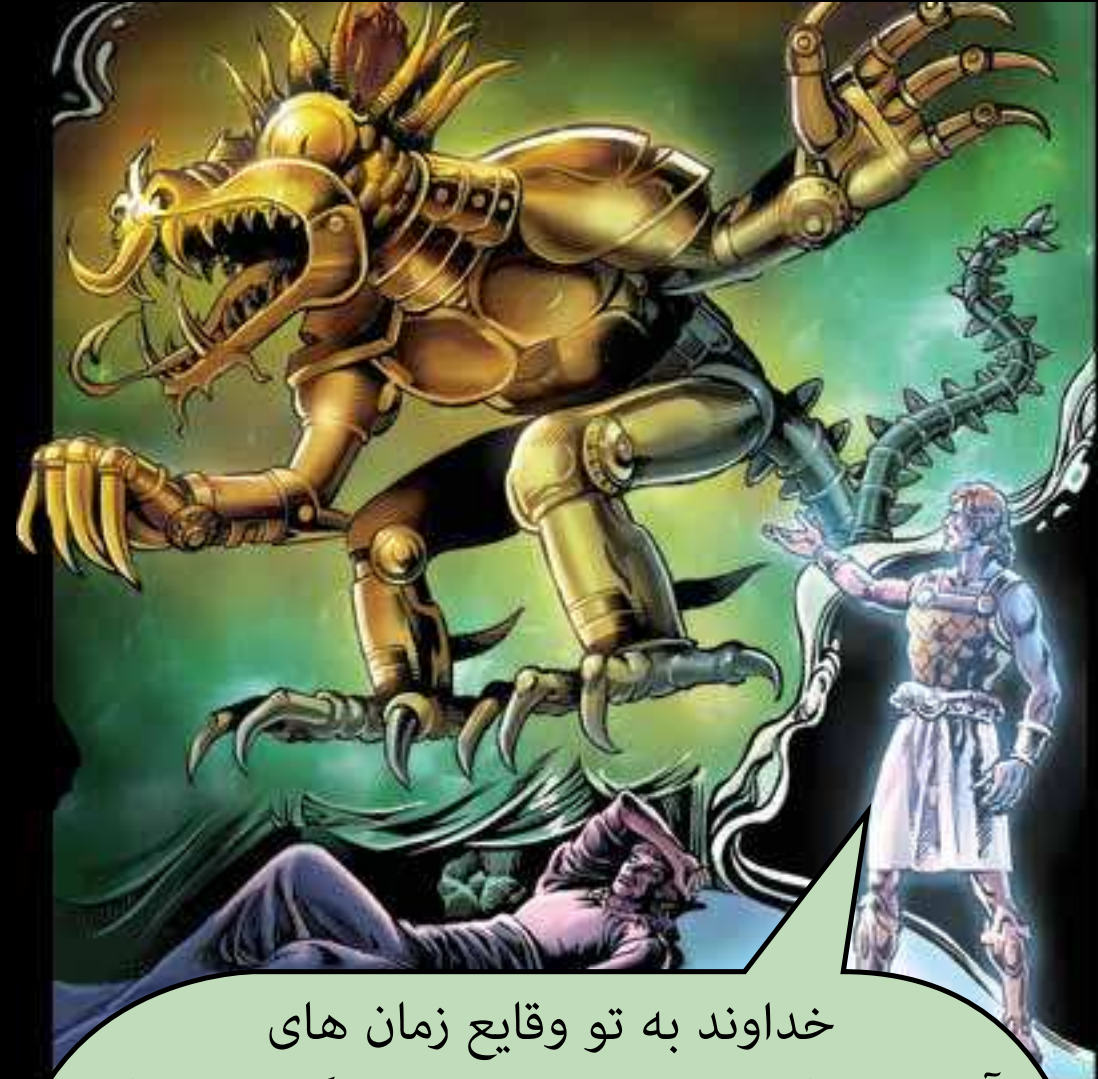
ما باید به صورت سازمان یافته عمل کنیم.
ما ابتدا باید دیوارها را بسازیم و سپس ما
میتوانیم معبد را بازسازی کنیم.

من آب تازه آورده ام،
میتوانیم شروع به کار کنیم.

اشعیا 28:44؛ ارمیا 12:11-12، 29:10؛ دانیال 2:9-1

دانیال خیلی پیر و سالخورده بود، بنابراین او به همراه دیگران به سرزمین برگشت. اما او همچنان نقش بسیار مهمی داشت بعنوان مشاور پادشاه پارس که اکنون در بابل بود، داشت. خداوند چند رویا در مورد آینده و حتی در مورد زمانهای آخر به او بخشید. در یکی از آن رویاها، او یک جانور عجیب فلزی را دید و فرشته معنی این رویا را به او گفت.





خداوند به تو وقایع زمان های

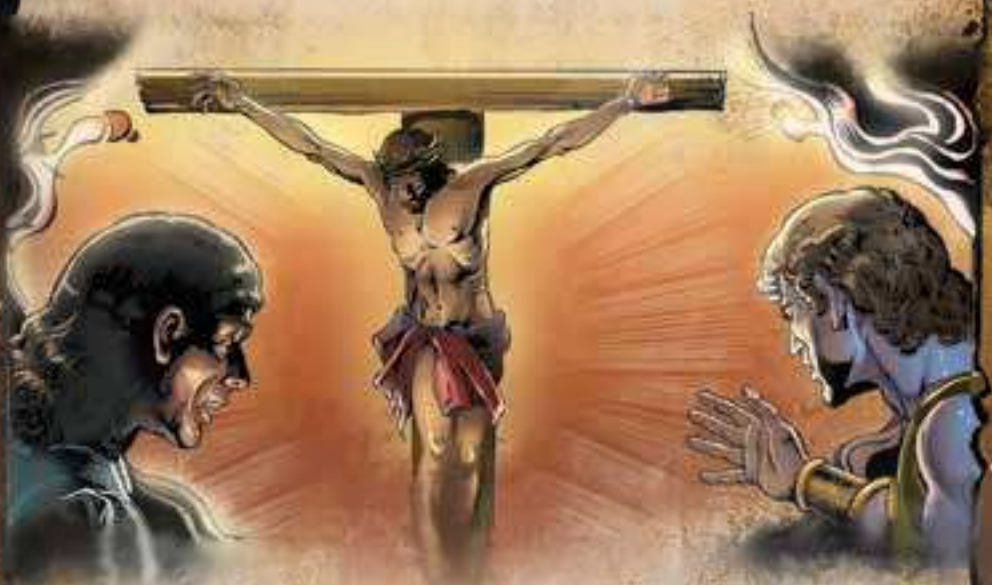
آخر را نشان میدهد. خداوند به نبوکدنصر نشان داد که چهار سلطنت وجود خواهد داشت. تاکنون دو سلطنت آمده است. بعد از حکومت پارس ها و مادها، سلطنت یونان رو کار خواهد آمد. به سرعت تصرف خواهد کرد اما خیلی زود سقوط خواهد کرد و به چهار سلطنت دیگر تقسیم خواهد شد. آنها با یکدیگر خواهند جنگید تا اینکه فقط دو سلطنت باقی بماند. آنها سالها با یکدیگر خواهند جنگید تا زمانی که هر دوی آنها توسط حکومت چهارم فتح شوند. آن همان موجود عجیب فلزی است که تو در خواب دیدی.



سلطنت چهارم مانند آهن خواهد بود و بسیار قدرتمندتر. و از همه پادشاهی های قبلی قوی تر است. او بر تمام حکومت ها را تصرف خواهد کرد، اما در روزهای آخر پادشاهی او به ده ملیت جدا خواهد شد. سپس شخصی خواهد آمد که صلح را برقرار خواهد کرد. او آخرین شاخ است که از روی سر جانور رشد خواهد کرد. در روزهای آخر، او تملق و چاپلوسی خواهد کرد و قول صلح را می دهد، فقط برای فتح و نابود کردن. او بر ضد خدای متعال سخن خواهد گفت، بر مقدسین ظلم خواهد کرد و میکوشد که تمام قوانین و جشن های مذهبی را تغییر دهد. آنگاه زمان سختی بزرگ بر روی زمین خواهد آمد، اما عادلان و صالحان نجات خواهند یافت.

دانیال 17:7-28؛ متی 4:24-25

دانیال، خداوند میخواهد تو در مورد آنچه که
میخواهد در آینده اتفاق بیفتد و همینطور
زمان وقوع آن، آگاه شوی.



از زمانیکه، فرمان برای ساخته شدن و احیا
دوباره دیوارها و معبد مقدس داده میشود
تا زمانی که مسیح موعود بیاید و بخاطر
تمام گناهان بشر فدیة گردد، 483 سال طول
خواهد کشید و سپس دوباره معبد مقدس
خراب خواهد گردید.

این نبوت به تمامیت انجام خواهد
گردید و مسیح برای ایجاد مصالحه
بین انسان و پدر آسمانی و همچنین
برداشتن گناه بشر و پارسا نمودن تمامی
انسانها، مسح خواهد شد.



دقیقا همانطور که دانیال نوشته
بود، مسیح با فریاد شادی و پیروزی،
483 سال بعد وارد اورشلیم شد و آن
نبوت کامل گردید.

خداوند به آدم و حوا گفته بود که از نسل زن کسی میاید که شیطان را نابود میکند. او به نوح گفته بود که مسیح از نسل سام و نه از نسل حام و یافت خواهد آمد. خداوند به ابراهیم گفته بود که یک نجات دهنده از نسل پسرش اسحاق خواهد آمد. خداوند به اسحاق قول داده بود که از طریق نسل یکی از پسران یعقوب به نام یهودا، مسیح به دنیا خواهد آمد.

خیل نوبت های خاص از طرف خداوند در مورد رهایی و نجات بشر به انبیا مختلف و در زمان های متفاوت داده شد. آنها گفتند که این نجات و رهایی از حال تا ابد است و مسیح تا به ابد زنده است و او از یک باکره در شهر بیت لحم یهودا به دنیا میاید. او فروتن و افتاده خواهد بود و سوار بر یک کره الاغ وارد اورشلیم خواهد شد. خدا روحش را بر روی او به تمامی قرار خواهد داد و او غیر ایمانداران را داوری و قضاوت خواهد کرد. او نوری بر این دنیای تاریک خواهد بود و نجات را برای همه بر روی زمین مهیا خواهد کرد. او رنج و زحمت زیادی خواهد دید و توسط قوم خودش رد شده و بر روی صلیب میخکوب گردیده و جانش را برای نجات بشر از گناه میدهند. او بین دو دزد مصلوب شده و در قبر یک ثروتمند دفن میشود.

پیدایش 9:10-49؛ مزامیر 22، 53؛ اشعیا 7، 2:9-1،
6:49، فصل 53؛ دانیال 26-9:25 میکاه 2:5؛ زکریا
9:9 ریال متی 2:24-1؛ عبرانیان 9:2

نبوت ها و پیگویی های دانیال در مورد آن
چهار پادشاهی بطور کامل و دقیق حادث شد.
در سال 330 قبل از میلاد مسیح، الکساندر
کبیر از یونان، لشکرکشی را آغاز کرد که هفت
سال طول کشید و او دنیا را فتح نموده و
تمامی حکومتها که شامل آخرین امپراطوری
مادها و پارس ها بود را نیز شکست داد.
یونان قدرت خود را تا 167 سال قبل از میلاد
مسیح حفظ کرد. تا زمانی که حکومت چهارم
یعنی روم شروع به کشور گشایی نمود.
همانطور که در رویای نبوکدنصر و رویای
دانیال نشان داده شده بود، آن ساق پای
آهنی، یعنی حکومت آخر، روم. درست مانند
موجود عجیب فلزی، موجود درنده و مخرب
برای دنیا بوده و قدرتش همچنان افزایش
یافته و ظلم و ستم فراوان به مردم داشته و
مردم اسرائیل هم در فشار و ستم بودند و
زمان در حدود 5 سال قبل از میلاد مسیح بود.



<https://goodandevilbook.net/>